اخلاق و تاریخ پزشکی ایران، سال ۱۴۰۵، دوره ۱۹، مقاله شماره ۴

مقاله مروری

مبانی طبی‌اخلاقی جالینوس

مرتضی حسین‌زاده[۱]، سحر کاوندی[۲*]

۱. استادیار، گروه فلسفه، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران.

۲. استاد، گروه فلسفه، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران.

چکیده

جالینوس، از چهره‌های ماندگار و اثرگذار تاریخ پزشکی است. آنچه جایگاه او را متمایز می‌کند، توانایی‌اش در پیونددادن میان سه حوزه‌ی اساسی پزشکی و فلسفه و اخلاق، در قالب یک نظام فکری منسجم است. این مقاله با هدف استخراج و بررسی جامع مبانی طبی‌اخلاقی در اندیشه‌ی جالینوس، به تحلیل تأثیر آموزه‌های فلاسفه در شکل‌گیری نگاه او به پزشکی و اخلاق پرداخته است. روش این پژوهش، تحلیل انتقادی متون اصلی جالینوس و مطالعات ثانویه‌ی تاریخی و فلسفی بود و با رویکردی توصیفی‌تحلیلی و مفهومی، در پی بازسازی نظام‌مند مبانی طبی و اخلاقی او و تبیین نسبت میان آن‌ها بوده است. جالینوس، سلامت را مفهومی چندلایه می‌دانست که نه‌فقط بعد جسمانی، بلکه ابعاد روانی و اجتماعی را نیز در بر می‌گیرد. او همچنین بر این باور بود که پزشکی تنها زمانی می‌تواند معنا و کارآمدی واقعی پیدا کند که با فضایل اخلاقی درآمیزد؛ بر همین اساس، مفهوم «پزشک-فیلسوف» را مطرح کرد. مبانی نظری جالینوس، ازجمله نظریه‌ی اخلاط چهارگانه، ارکان پنج‌گانه‌ی سلامت، اصل درمان از طریق تضاد و تأکید ویژه بر پیشگیری، بخشی از چهارچوب نظری منسجم او را تشکیل می‌دهند. در حوزه‌ی اخلاق پزشکی نیز، اصول اخلاقی‌ای که امروزه در قالب چهار اصل اخلاق زیستی معاصر به‌نوعی بازتاب یافته‌اند، بارها در آثار او تکرار شده‌اند. با وجود آنکه، برخی نظریات جالینوس، امروزه اعتبار علمی چندانی ندارند، تأمل دوباره در مبانی طبی‌اخلاقی او می‌تولند،به ارائه‌ی الگویی مفهومی برای بازاندیشی در پیوند میان علم و اخلاق و فلسفه در پزشکی معاصر یاری رساند.

واژگان کلیدی: اخلاق پزشکی، اصول طبی، پزشکی کل‌نگر، جالینوس، فلسفه‌ی پزشکی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۱۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۶/۱۵

*** نویسنده‌ی طرف مکاتبه:**

سحر کاوندی

آدرس: زنجان، کوی کارمندان، فاز ۳، خیابان دوازدهم شرقی، پلاک ۱۲۱.

کد پستی: ٤٥١٣٩٤٣٣٥٥

تلفن: ۰۲٤ - ۳۳۰٥٤۱۱۰

Email: drskavandi@znu.ac.ir

آدرس دهی مقاله:

حسین زاده م، کاوندی س. *مبانی طبی‌اخلاقی جالینوس.* اخلاق و تاریخ پزشکی ایران. ۱۴۰۵؛ ۱۹(۴)، ۱-۲۰.

DOI: 10.18502/ijme.v19i4.22512

[Downloaded from ijme.tums.ac.ir on 2026-10-27]

[DOI: 10.18502/ijme.v19i4.22512]

مقدمه

کلودیوس جالینوس [1] (۱۲۹-۲۰۰ میلادی)، طبیب و فیلسوف برجسته دوران امپراتوری روم، از تأثیرگذارترین چهره‌های تاریخ پزشکی است که در گسترش علم طب و شکل‌گیری مبانی نظری آن نقش مهمی داشت. او در پرگامون آسیای صغیر متولد شد و پس از تحصیل در مراکز علمی مهم، به پزشک دربار امپراتوران روم راه یافت. آنچه جالینوس را از بسیاری از پزشکان عصر خود متمایز می‌کند، کوشش او برای پیوند دادن سه حوزه بنیادینِ پزشکی، فلسفه و اخلاق است. او پزشکی را صرفاً دانشی تجربی نمی‌دانست، بلکه آن را هنری اخلاق‌محور تلقی می‌کرد که نیازمند فهم فلسفی از طبیعت انسان و پایبندی به اصول اخلاقی است (۱). از همین منظر، جالینوس گرایشی طبی‌ـفیزیولوژیکی در اخلاق پدید آورد که بعدها از میراث یونانی به فرهنگ عربی انتقال یافت و اخلاق افلاطونی را از منظر یک طبیب بازخوانی کرد (۲).

جالینوس با تلفیق آموزه‌های افلاطونی، مانند نظریه نفوس سه‌گانه و دوگانه‌انگاری نفس و بدن، آموزه‌های ارسطویی، مانند نظریه علل چهارگانه و روش‌شناسی منطقی، و آموزه‌های رواقی، مانند کنترل احساسات و زندگی مطابق با طبیعت، چارچوب نظری منسجمی ایجاد کرد که برای قرن‌ها مرجع آموزش پزشکی در تمدن‌های مختلف قرار گرفت (۳). مسأله اصلی این پژوهش آن است که مبانی طبی-اخلاقی جالینوس کدام‌اند و چگونه می‌توان آن‌ها را از متون او استخراج و در قالب نظامی منسجم سازمان‌دهی کرد؟

پیام‌های کلیدی

- از نظر جالینوس، پزشک شایسته باید افزون بر دانش طبی، از تفکر فلسفی، استدلال منطقی و فضایل اخلاقی برخوردار باشد.
- جالینوس سلامت را مفهومی کل‌نگر می‌دانست که بر تعادل جسم، نفس، مزاج، سبک زندگی و عوامل محیطی استوار است.
- اخلاق پزشکی در اندیشه جالینوس شرط تحقق طب حقیقی است و می‌تواند برای آموزش پزشکی امروز الهام‌بخش باشد.

برای پاسخ به این پرسش، مقاله از روش ترکیبی مرور متون تاریخی و تحلیل مفهومی بهره می‌برد. بدین منظور، متون اصلی جالینوس، از جمله کتاب‌ها و رساله‌های خطی، چاپ‌های سنگی و نسخه‌های تصحیح‌شده در حوزه مباحث طبی، فلسفی و اخلاقی، همراه با منابع ثانویه معتبر انگلیسی و عربی بررسی شده‌اند. سپس، از طریق تحلیل محتوای نظام‌مند، مباحث فلسفی، عناصر طبی مانند نظریه اخلاط چهارگانه و ارکان پنج‌گانه سلامت، و اصول اخلاقی مانند مفهوم پزشک - فیلسوف، احترام به بیمار و مسئولیت اجتماعی استخراج و در چارچوبی یکپارچه تنظیم شده‌اند. در مرحله بعد، با روش تحلیل تطبیقی، پیوندهای مفهومی میان پزشکی، فلسفه و اخلاق در اندیشه

1. Galen

[Downloaded from ijme.tums.ac.ir on 2026-10-27]

[DOI: 10.18502/ijme.v19i4.22512]

جالینوس شناسایی شده و در برخی موارد، ضمن نقد نظریه، پیامدهای آن برای چالش‌های اخلاقی پزشکی معاصر نیز نشان داده شده است.

اهمیت بررسی مبانی طبی-اخلاقی جالینوس از آن‌روست که او آخرین نماینده بزرگ طب کلاسیک یونانی-رومی به شمار می‌رود که میراث طب بقراطی را با دستاوردهای فلسفی عصر خود ترکیب کرد (۴). آثار او برای بیش از هزار سال، از قرن سوم تا چهاردهم میلادی، در مراکز علمی اروپا، خاورمیانه و آسیا مرجع آموزش پزشکی بود. افزون بر این، جالینوس از نخستین کسانی بود که به‌صورت نظام‌مند نشان داد پزشکی بدون پشتوانه فلسفی به کمال نمی‌رسد. او با تأکید بر شناخت علل بیماری‌ها، نقش استدلال منطقی در تشخیص و درمان، و ارتباط متقابل جسم و روح، پایه‌هایی فلسفی برای پزشکی علمی فراهم کرد (۵). همچنین، پزشک از نظر او نه‌تنها باید دانش فنی داشته باشد، بلکه باید از فضایل اخلاقی نیز برخوردار باشد. مفاهیمی مانند اولویت منافع بیمار، احترام به کرامت انسانی، رازداری و مسئولیت اجتماعی پزشک در آثار جالینوس ریشه دارند و از مبانی اخلاق پزشکی جدید به شمار می‌روند (۶).

هدف اصلی این پژوهش، تحلیل نظام‌مند مبانی طبی-اخلاقی جالینوس و تبیین ارتباط متقابل میان فلسفه، پزشکی و اخلاق در نظام فکری اوست. این مقاله ضمن بررسی تأثیر فلسفه‌های افلاطونی، ارسطویی و رواقی بر اندیشه جالینوس، آراء پزشکی وی و اصول اخلاقی ناظر به حرفه پزشکی را نیز تحلیل می‌کند. در عصر حاضر که پزشکی با چالش‌های نوینی روبه‌روست، بازخوانی انتقادی آموزه‌های جالینوس می‌تواند به فهم بهتر مبانی اخلاقی و فلسفی پزشکی کمک کند.

با وجود اهمیت تاریخی و تأثیر ماندگار جالینوس، مطالعات جامع درباره مبانی طبی-اخلاقی او، به‌ویژه درباره ارتباط میان فلسفه، پزشکی و اخلاق، اندک است. بسیاری از آثار موجود یا او را در کنار دیگر پزشکان باستانی به‌صورت گذرا بررسی کرده‌اند، یا صرفاً از او به‌عنوان پیش‌زمینه‌ای در تاریخ اخلاق پزشکی یاد کرده‌اند، بی‌آنکه مبانی طبی و اخلاقی او را در قالب نظامی منسجم تحلیل کنند. از این‌رو، این پژوهش می‌کوشد با پرکردن این خلأ، چارچوبی مفهومی برای درک نسبت میان فلسفه، پزشکی و اخلاق ارائه دهد. در ادامه (در بخش نقاط ضعف جدول ۱) به صورت مختصر به نبود مطالعات و پژوهش‌هایی در باب ارتباط میان حوزه‌های مذکور اشاره شده است.

جدول شماره ۱- پیشینه مطالعاتی پژوهش

نویسنده	موضوع اصلی مطالعه	نقاط قوت	نقاط ضعف
اوزی تمکین (۴)	تحلیل جامع تأثیر جالینوس بر تاریخ پزشکی	بررسی عوامل زوال تدریجی نظریات جالینوس	به ابعاد اخلاقی و فلسفی آموزه‌ها کمتر پرداخته شده است.
ویوین ناتن (۷)	بررسی تاریخ پزشکی باستان و فصل اختصاصی به جالینوس	تأکید بر روش‌شناسی جالینوس و تأثیر او بر پزشکی قرون وسطی	تحلیل عمیق مبانی اخلاقی جالینوس ارائه نشده است.
رابرت هنکینسون (۱)	مجموعه مقالات [1] درباره جنبه‌های مختلف فعالیت‌های علمی جالینوس	پوشش جامع فلسفه، پزشکی و روش‌شناسی جالینوس	ارتباط میان حوزه‌های مختلف به‌طور کامل تحلیل نشده است.

1.The Cambridge Companion to Galen" (2008)

[Downloaded from ijme.tums.ac.ir on 2026-10-27]

[DOI: 10.18502/ijme.v19i4.22512]

نویسنده	موضوع اصلی مطالعه	نقاط قوت	نقاط ضعف
پیتر سینگر (۵)	تمرکز بر جنبه‌های روان‌شناختی آثار جالینوس	پیوند مفاهیم روان‌شناختی با نظریات پزشکی	بر ابعاد اخلاقی کمتر تأکید شده است
احمد عبدالحلیم عطیه (۳)	بررسی جامع فلسفه جالینوس و رابطه آن با نظریات علمی و اخلاقی	تحلیل تأثیر فیلسوفان بزرگی چون کندی، ابن سینا و دیگران بر جالینوس	-
عبدالرحمن بدوی (۸)	انتشار متن کامل آثار اخلاقی جالینوس	منبع مهم برای درک دیدگاه‌های اخلاقی جالینوس	-
کریستوفر گیل، تیم ویتمارش و جان ویلکینز (۹)	جایگاه جالینوس در تاریخ علم و فلسفه	بررسی حیات فکری دوره جالینوس	تحلیل ارتباط میان حوزه‌های مختلف دانش جالینوس به‌طور کامل ارائه نشده است.
سوزان پی. ماترن (۱۰)	تمرکز بر جنبه‌های بلاغی و ارتباطی عملکرد پزشکی جالینوس	ارائه دیدگاه جدید درباره تعامل هنر شفا با طبقه اجتماعی، قومیت و جنسیت	بر جنبه‌های اخلاقی کمتر تمرکز شده است.
عامری (۱۱)	تأثیر آموزه‌های فلسفی بر دانش فیزیولوژی جالینوس	تحلیل رابطه میان پیش‌فرض‌های فلسفی و علم پزشکی	-

پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش‌ها نشان می‌دهد که آثار متعددی به ابعاد تاریخی، فلسفی، پزشکی، اخلاقی و روان‌شناختی اندیشه جالینوس پرداخته‌اند، اما بیشتر آن‌ها ارتباط نظام‌مند میان مبانی طبی و اخلاقی او را به‌صورت جامع تحلیل نکرده‌اند. برای نمونه، اوزی تمکین [1] (۴) با رویکردی تاریخی-انتقادی، بیشتر به علل زوال نفوذ جالینوس در پزشکی جدید توجه دارد؛ در حالی‌که ویوین ناتن [2] (۷) بر تداوم سنت جالینوسی در قرون وسطی و نقش او در شکل‌گیری پزشکی آکادمیک تأکید می‌کند. رابرت هنکینسون [3] (۱) با رویکردی تحلیلی-فلسفی از انسجام نظام فکری جالینوس دفاع می‌کند، اما پیتر سینگر [4] (۵) با تمرکز بر آثار روان‌شناختی او، برخی پیش‌فرض‌های جالینوس درباره نفس و حالات درونی را نقد و بازخوانی می‌کند.

در میان پژوهش‌های عربی و اسلامی، احمد عبدالحلیم عطیه (۳) جالینوس را به‌عنوان «طبیب-فیلسوف» بررسی کرده و نسبت میان فلسفه، طب و اخلاق در اندیشه او و تأثیر میراث جالینوسی بر متفکران مسلمان را برجسته ساخته است. عبدالرحمن بدوی (۸) نیز با تصحیح و انتشار متون اخلاقی منسوب به جالینوس، منبعی مهم برای شناخت دیدگاه‌های اخلاقی او درباره نفس، فضیلت، عادت و اصلاح اخلاق فراهم

1. Owsei Temkin
2. Vivian Nutton
3. Robert J. Hankinson
4. Peter N. Singer

[Downloaded from ijme.tums.ac.ir on 2026-10-27]

[DOI: 10.18502/ijme.v19i4.22512]

کرده است. همچنین کریستوفر گیل [1]، تیم ویتمارش [2] و جان ویلکینز [3] (۹) جایگاه جالینوس را در تاریخ علم، فلسفه و فرهنگ فکری عصر او بررسی کرده‌اند، هرچند پیوند طب و اخلاق در آثار او را به‌طور مستقل تحلیل نکرده‌اند. سوزان پی. ماترن [4] (۱۰) بر جنبه‌های بلاغی، ارتباطی و اجتماعی طبابت جالینوس تمرکز دارد و عامری (۱۱) نیز نشان می‌دهد که فهم فیزیولوژی جالینوس بدون توجه به مبانی فلسفی و انسان‌شناختی او ممکن نیست.

با وجود ارزش این مطالعات، وجه مشترک اغلب آن‌ها تمرکز بر یکی از ابعاد تاریخی، فلسفی، روان‌شناختی، روش‌شناختی یا ارتباطی اندیشه جالینوس است و کمتر کوشیده‌اند مبانی طبی و اخلاقی او را در قالب یک نظام منسجم بازسازی کنند. حتی در مطالعات جدیدتر تاریخ اخلاق پزشکی، مانند آثار بیکر، مک‌کالو و نی (۱۲) و جانسن (۱۳)، جالینوس بیشتر در چارچوب کلی تاریخ طب و اخلاق پزشکی مطرح شده و مبانی طبی-اخلاقی او موضوع تحلیل مستقل و نظام‌مند قرار نگرفته است.

روش‌شناسی جالینوس

پیش از پرداختن به روش‌شناسی منحصر به فرد جالینوس باید گفت وی از پیشگامان ایجاد پیوند عمیق میان فلسفه و پزشکی بود و فلسفه را زیربنای پزشکی می دانست و پزشک-فیلسوف، شخصیت آرمانی وی محسوب می‌شد. در رساله‌ای (۱۴) [5] تأکید می‌کند پزشک راستین نه فقط دانش بیماری و درمان را می‌شناسد، بلکه روحی تربیت‌یافته و ذهنی منظم دارد. پزشکی صرفاً علمی تجربی نیست، بلکه هنری است که برای کمال، نیازمند اصول فلسفی و اخلاقی است و کسی که فیلسوف واقعی است، طبیب حقیقی نیز می‌تواند باشد (۱۲، ۳).

در کتابی که در باب تابعیت قوای نفس از مزاج بدن است [6]، ارتباط تنگاتنگ میان طب و سلوک اخلاقی مورد تأکید قرار گرفته است. از دیدگاه او، «فیلسوفی که دوستدار حکمت است برتر است و کسی که دوستدار حکمت است خود را مشغول کارهایی که مردم از آن بهره‌مند نیستند نمی‌کند [7]» (۱۵). کتاب جالینوس در مورد اینکه چگونه انسان به خطاها و عیب های خود آگاه می‌شود [8] که بعدها توسط ابن سینا بازنویسی شد، نشان‌دهنده تأثیر عمیق اندیشه‌های اخلاقی جالینوس بر پزشکان مسلمان است (۳).

مفهوم «پزشک-فیلسوف» جالینوس، امروزه به شکل تأکید بر «تفکر انتقادی» و «مهارت‌های تحلیلی» در آموزش پزشکی بازتاب یافته است. پزشکان امروزی باید بتوانند اطلاعات پیچیده را تحلیل کنند، تصمیمات مبتنی بر شواهد اتخاذ نمایند و در مواجهه با معضلات اخلاقی، راه‌حل‌های منطقی ارائه دهند.

جالینوس معتقد است طب با منطق نیز ارتباط وثیقی دارد. پزشک برای تحلیل بیماری و تعیین درمان مناسب، باید در منطق مهارت داشته باشد. این امر به شناخت ماهیت بیماری، طبقه‌بندی آن، یافتن علت بیماری‌ها و اخذ تصمیمات درمانی مناسب کمک می‌کند (۱۶ ، ۳ ، ۱۴).

1. Gill C
2. Whitmarsh T
3. Wilkins J
4. Susan P. Mattern

۵. مقالهٔ جالینوس فی أنّه یجب أن یکون الطبیب الفاضل فیلسوفا

٦. من مقالهٔ لجالینوس فی أن قوی النفس توابع لمزاج البدن

۷. صص: ٥-٦

۸. کیف یتعرف الانسان ذنوبه و عیوبه

[Downloaded from ijme.tums.ac.ir on 2026-10-27]

[DOI: 10.18502/ijme.v19i4.22512]

جالینوس روش‌شناسی منحصربه‌فردی را در پزشکی توسعه داد که ترکیبی از مشاهده، تجربه، عقل و منطق بود. این روش‌شناسی بر چند اصل کلیدی استوار است:

بهره‌گیری از منطق برای علت‌یابی بیماری‌ها و درمان

جالینوس رویکرد منطق‌محور اتخاذ کرده و بر تسلط پزشکان بر فلسفه و منطق تأکید می‌کند. روش‌های منطقی او شامل تحلیل قیاسی، استقرایی و تجربی است که در کتاب *فی الصناعة الصغیرة* آمده است (۱۷). او از علل چهارگانه ارسطویی برای تبیین عملکرد بدن بهره می‌گیرد، زیرا «پزشک نیازمند به منطق است تا به‌کمک استدلال، تشخیص بیماری‌ها برای او امکان‌پذیر گردد» (۳).

ویژگی بارز روش علمی او تعریف دقیق معانی و اصطلاحات پزشکی است. در کتاب *الأسماء الطبیة* اصطلاحاتی که پزشکان به کار برده‌اند را تعریف کرده است (۱۶، ۳).

بهره‌گیری از مشاهده مستقیم و تجربه عملی

جالینوس بر مشاهده مستقیم و تجربه عملی تأکید داشت. با کالبدشکافی حیوانات، یافته‌های آناتومیکی مهمی کشف کرد. از نظر او، نظریه‌های پزشکی بدون آزمایش‌های عملی قابل اعتماد نیستند (۱۸). این روش وی پیش‌درآمد پزشکی مبتنی بر شواهد[1] محسوب می‌شود که بر اساس آن از بهترین شواهد در دسترس، در تصمیم‌گیری در مورد مراقبت از هر بیمار استفاده آگاهانه، صریح و خردمندانه صورت می‌گیرد (۱۹).

ترکیب عقل و تجربه

جالینوس رویکردی ترکیبی از عقل و تجربه ارائه می‌دهد. او معتقد است «مداوا بر دو نوع است: تجربه که هیچ ترتیب و نظامی ندارد؛ و قیاس که ترتیب و نظامی را لازم دارد»، وی روش دوم را برمی‌گزیند (۲۰، ۲۱، ۳). او سیستم طبقه‌بندی دقیقی از تغییرات بدنی ارائه می‌دهد: تغییرات درونی و بیرونی (۲۲، ۱۶)[2].

سلوک طبیب در صناعت طب بر اساس طبیعت

طبابت که امری صناعی است با سیر طبیعی امور، همسان است. طبیب باید ابتدا معرفت دقیق نسبت به ذات و جوهر بدن کسب کند، سپس از طریق تحلیل عقلانی، عوامل خروج از اعتدال را شناسایی و راهکار بازگرداندن سلامت را دریافت نماید (۲۳، ۲۰).

اصول فلسفی جالینوس

اندیشه‌های فلسفی جالینوس تحت تأثیر سه مکتب عمده فلسفی یونان باستان، یعنی افلاطونی، ارسطویی و رواقی، شکل گرفت. کندی نخستین فیلسوف مسلمانی بود که طب، فلسفه و اخلاق را از جالینوس اخذ کرد (۳). جالینوس فلسفه را زیربنای تمامی علوم پزشکی می‌دانست و معتقد بود پزشک بدون درک عمیق از اصول فلسفی نمی‌تواند به‌درستی عمل کند. از نظر او، فلسفه ابزارهای ضروری مانند منطق، روش‌شناسی علمی و اصول اخلاقی را در اختیار پزشکان قرار می‌دهد. جالینوس در آثار خود تأکید می‌کند که «پزشک باید حتماً فیلسوف باشد تا

1 .Evidence-Based Medicine

۲. تغییرات درونی (که جوهر بدن را حفظ می‌کند شامل تغییرات کمّی و کیفی، و آنچه جوهر بدن را حفظ نمی‌کند) و تغییرات بیرونی (مانند انتقال مکانی که خارج از دامنه طب است). طبیب باید بر اساس شدت انحراف از طبیعت، راهکار مناسب انتخاب کند.

[Downloaded from ijme.tums.ac.ir on 2026-10-27]

[DOI: 10.18502/ijme.v19i4.22512]

بتواند به پیروی از بقراط، شناخت طبیعت بدن را برای خود ضروری بداند» (۱۴ ، ۳). بر همین اساس، اصول فلسفی او را می‌توان در چند محور اصلی خلاصه کرد: دوگانه‌انگاری نفس و بدن، ارتباط متقابل جسم و نفس، باور به نفوس سه‌گانه، ضرورت تعادل قوای نفس، بهره‌گیری از علل چهارگانه در تبیین بدن و بیماری، و زندگی مطابق با طبیعت.

در نظام فلسفی جالینوس، نفس امری غیرمادی و منشأ حیات بدن دانسته می‌شود (۸)، اما در عین حال، نفس از مزاج بدن تأثیر می‌پذیرد و مزاج، در عین تمایز از نفس، بر حالات نفسانی و اخلاقی انسان غلبه دارد (۱۵ ، ۳ ، ۸). از این‌رو، نفس و بدن در اندیشه او رابطه‌ای متقابل دارند و تغییر در مزاج می‌تواند موجب تغییر در نفس و اخلاق شود (۱۵ ، ۸). جالینوس همچنین ایجاد تعادل مزاج را از راه غذا و تدبیر بدن ممکن می‌داند (۱۷ ، ۸) و به نقش اقلیم در دستیابی به فضایل اخلاقی توجه می‌کند (۸). او نفس را به سه مرتبه نباتی، حیوانی و عقلی تقسیم می‌کند و معتقد است نفس حیوانی و عقلی برخلاف نفس نباتی قابل تربیت‌اند (۱۵ ، ۳). در این چارچوب، احساسات منفی می‌توانند تعادل اخلاط را مختل کرده و سبب بیماری شوند (۲۴، ۱۵)، در حالی که فضیلت حاصل اعتدال نفوس سه‌گانه است و عدم اعتدال به بیماری و بی‌عدالتی می‌انجامد (۳). افزون بر این، جالینوس برای فهم عملکرد بدن و بیماری از علل چهارگانه بهره می‌گیرد (۲۰) و سلامت را نتیجه هماهنگی فعل بدن با جریان طبیعی می‌داند؛ به همین دلیل، طبیعت را عامل اصلی درمان و بهبودی بیماری‌ها می‌شمارد (۲۰). در مقابل، ناآگاهی طبیب از طبیعت بدن، به خطا در طبابت، مداوای ناقص و افزایش مرگ بیماران منجر می‌شود (۲۳).

جدول شماره ۲- اصول فلسفی جالینوس

اصول فلسفی	شرح اصلی	ویژگی‌های کلیدی
دوگانه‌انگاری نفس و بدن	نفس غیرمادی، نیروی حیات را به بدن می‌دهد	• نفس: مرکز عقل، اراده و احساسات • بدن: موجود مادی تحت فرآیندهای طبیعی • نفس: تابع مزاج بدن • مزاج: غالب بر نفس و متمایز از آن
ارتباط متقابل نفس و بدن	نفس و بدن بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند	• تغییر مزاج = تغییر در نفس و اخلاق • ایجاد تعادل مزاج به وسیله غذا و اقلیم و تأثیر آن در رسیدن به فضایل اخلاقی • اعتدال اعضای بدن = زیبایی بدن • اعتدال نفس=زیبایی روح و اخلاق
باور به وجود نفوس سه‌گانه	سه نوع نفس: نباتی (عهده‌دار تغذیه و رشد)، حیوانی (عهده‌دارعملکردهای ارادی و احساسات)، عقلی (عهده‌دارتفکر و عملکرد عقلانی)	• نفس نباتی: تأدیب‌ناپذیر • نفس حیوانی و عقلی: قابل تأدیب وبهره‌مند از ریاضت • تأثیر و تأثر بیماری روحی و جسمانی از یکدیگر
تعادل قوای سه‌گانه	ضرورت حفظ تعادل میان قوای سه‌گانه احساسات منفی، مختل‌کننده تعادل اخلاط و ایجاد کننده بیماری	• فضیلت = اعتدال نفوس سه‌گانه • عدم اعتدال = بیماری و بی‌عدالتی تعادل روحی و جسمی به مثابه اصل بنیادین سلامت و فضیلت

[Downloaded from ijme.tums.ac.ir on 2026-10-27]

[DOI: 10.18502/ijme.v19i4.22512]

اصول فلسفی	شرح اصلی	ویژگی‌های کلیدی
به‌کارگیری علل چهارگانه در عملکرد بدن	استفاده از علل چهارگانه برای درک صحیح بیماری‌ها	• علت مادی (ماده بدنی)، صوری(ساختار بدن)، فاعلی(نیروی محرکه بدن)، غائی(هدف یا غایت موجودات زنده) • تأکید بر رویکرد هدف‌مند در فهم عملکرد بدن
زندگی مطابق با طبیعت	هماهنگی با طبیعت برای حفظ سلامت	• سلامت = فعل بر اساس جریان طبیعی • مرض = فعل مخالف با جریانطبیعی • طبیعت دارای قدرت ذاتی برای انجام افعال و عامل اصلی درمان و بهبودی امراض عدم آگاهی کافی طبیب به طبیعت بدن=خطا در طبابت و مداوای حداقلی و مرگ حداکثری بیماران

اصول طبی جالینوس

پیش از پرداختن به اصول طبی شایسته است ابتدا ساختار طب قدیم و مسائل مربوط به آن و تعریف طب و طبیب از منظر جالینوس بیان شود.

ساختار فکر طبی قدیم از عناصر بنیادین زیر تشکیل شده است: توصیف موضوع (تشریح)، سلامتی، بیماری، علامات یا اعراض (که به واسطه آنها تشخیص مرض انجام می‌شود)، داروهای (ادویه) مفرد و مرکب و روش مداوا (۲). جالینوس طب را در قالب تعریف جامعی ارائه می‌دهد: « پزشکی، شامل شناخت امور مربوط به سلامتی، بیماری و اموری که نه سلامتی و نه بیماری است، می‌شود [۱]» . در این تعریف جنس منطقی برای طب، معرفت و فصل منطقی آن امور مربوط به سلامتی و مراتب مختلف آن است. بر اساس این تعریف، پزشکی، «شناخت» امور مربوط به سه حوزه اساسی است: سلامتی، بیماری و اموری که نه سلامتی و نه بیماری است. سه مورد زیر پذیرای امور سه‌گانه مذکور است: بدن، فاعل و حافظ، علامت‌ها. علامت اعم از علاماتی است که در حال حاضر وجود دارد، علاماتی که از گذشته خبر می‌دهد، علامتی که در گذشته بوده و در آینده مؤثر خواهد بود (۱۷، ۲۱).

جالینوس تمایز مهمی میان طبیب و متطبب قائل می‌شود: طبیب فیلسوف کاملی است که علم تعلیمی، طبیعی، الهی و منطقی را کسب کرده باشد، اما متطبب کسی است که آن علوم را کسب نکرده و در مرحله پایین‌تری از طبیب قرار دارد (۳). این تمایز نشان‌دهنده تأکید جالینوس بر ضرورت تحصیل جامع و عمیق برای پزشکان است. در ادامه به اصولی که جالینوس در طبابت خود مورد توجه قرار می‌داد می‌پردازیم:

ارکان پنج‌گانه سلامتی در نظام طبی جالینوس

دیدگاه جالینوس را می‌توان پیش‌درآمدی بر رویکردهای کل‌نگر پزشکی مدرن دانست که امروزه در پزشکی یکپارچه با توجه به عوامل روانی-اجتماعی، محیطی و فرهنگی مؤثر بر

۱. ان الطب هو معرفة الامور الصحیة و المرضیه و التی لیست بصحیة و لا مرضیة

[Downloaded from ijme.tums.ac.ir on 2026-10-27]

[DOI: 10.18502/ijme.v19i4.22512]

سلامت مورد استفاده قرار می‌گیرد. با بررسی‌های انجام یافته در آثار و نسخه‌های خطی و چاپ شده جالینوس، نظام جامع و منسجمی قابل استخراج است که می‌توان آن را بر پنج رکن اساسی استوار دانست : هیولی(۲۰ و ۱۷)، فاعل(۲۰)، آلت(۱۶ و ۲۱ و ۲۵ و ۲۶)، صورت(۲۰) و غایت(۲۰) که هر یک نقش مشخصی در تکوین و حفظ سلامتی ایفا می‌کنند.

جدول شماره ۳ - اصول طبی/ارکان پنج‌گانه سلامتی

رکن	تعریف	اجزا/انواع	توضیحات
هیولی (ماده)	بنیان مادی سلامتی	الف) کیفیات عناصر چهارگانه: حار، بارد، رطب، یابس (فاعلی: حرارت و برودت؛ انفعالی: رطوبت و یبوست)ب) جواهر عناصر چهارگانه: نار، هوا، ماء، ارض	ترکیب متعادل این کیفیات و عناصر زمینه‌ساز سلامتی است و انحراف از تعادل منجر به بیماری می‌شود. پایه نظریه مزاج‌های چهارگانه جالینوس
فاعل	عوامل محقق‌کننده سلامتی	فاعل اول (طبیعت): نیروی ذاتی بدن که خودکار در جهت حفظ سلامتی عمل می‌کند فاعل دوم (طبیب): همکار طبیعت که با دانش به فرآیند درمان کمک می‌کند.	«طبیعت، شافی امراض است»
آلت	مکانیسم عملکردی سلامتی	الف) مزاج عام: ترکیب متعادل عناصر چهارگانه ب) مزاج خاص: شامل نه نوع (یک معتدل و هشت غیرمعتدل): چهار بسیط (حار، بارد، رطب، یابس) و چهار مرکب (حار یابس، حار رطب، بارد یابس، بارد رطب)	آلت همان مزاج است که به امتزاج طبایع چهارگانه اشاره دارد. این نظریه تا قرن نوزدهم در تعلیم طب ادامه داشت.
صورت	ساختار اجزای بدن	• اعضای متشابه‌الاجزا (مزاج): بافت‌های همگن (استخوان، عضله) • اعضای آلی (هیئت): اندام‌های عملکردی (قلب، کبد) • ترکیب کل بدن از تمام اعضا (اتصال): یکپارچگی و ارتباط متقابل اندام‌ها	ترکیب بدن در سه سطح مختلف
غیت	هدف نهایی سلامتی	• حفظ سلامتی ابدان سالم از طریق پیشگیری • بازگرداندن سلامتی به ابدان مریض از طریق درمان	غایت که همان افعال مادی (عملکردهای فیزیولوژیک) است در دو جهت تحقق می‌یابد.

این ارکان پنج‌گانه چارچوبی جامع برای درک سلامتی و بیماری ارائه می‌دهند که با ترکیب دیدگاه‌های فلسفی ارسطویی و یافته‌های تجربی بقراطی، بنیان محکمی برای طب کلاسیک فراهم می‌آوردند. دیدگاه جالینوس پیش‌درآمدی بر رویکردهای کل‌نگر پزشکی مدرن است که امروزه در پزشکی یکپارچه با توجه به عوامل روانی-اجتماعی، محیطی و فرهنگی مؤثر بر سلامت مورد استفاده قرار می‌گیرد.

اخلاط چهارگانه و مراتب سلامتی

جالینوس نظریه اخلاط چهارگانه بقراط را توسعه داد و آن را اصل بنیادین پزشکی قرار داد. بدن از چهار خلط تشکیل شده است:

- **خون**: گرم و مرطوب (قلب - انرژی و شادابی)
- **بلغم**: سرد و مرطوب (مغز - کندی و آرامش)
- **صفرا**: گرم و خشک (کبد - شور و هیجان)

[Downloaded from ijme.tums.ac.ir on 2026-10-27]

[DOI: 10.18502/ijme.v19i4.22512]

- **سودا**: سرد و خشک (طحال - تفکر عمیق و افسردگی) (۲۲)

تعادل اخلاط موجب سلامتی و عدم تعادل آنها باعث بیماری می‌شود. افزایش سودا منجر به افسردگی و افزایش صفرا باعث خشم می‌شود (۲۴).

جالینوس برای سلامتی و بیماری مراتب هفت‌گانه قائل است: سلامتی بالا، متوسط و کم؛ مرتبه میانی (مِسقام: بین سلامتی و بیماری)؛ بیماری کم، متوسط و شدید. افراد مسقام از عوامل بیماری‌زا سریع‌تر آسیب می‌بینند، اما افراد با سلامتی بالا مقاوم‌ترند (۱۷).

اسباب سلامتی و بیماری

جالینوس اسباب را به سه دسته تقسیم می‌کند: الف) اسباب سلامتی که یا سلامتی را حفظ می‌کنند (تدبیر الاصحاء) یا آنکه سبب ایجاد سلامتی می‌شوند (مداوا)؛ ب) اسباب بیماری‌زا؛ ج) اسبابی که نه بیماری‌زا و نه صحت‌زا هستند. حفظ سلامتی بدن نیازمند اعتدال در امور ششگانه زیر است:

اعتدال هوای محیط به بدن؛ اعتدال عوارض نفس (مانند غم، اندوه، ترس، غضب و شادمانی)؛ اعتدال در خواب و بیداری؛ اعتدال در حرکت و سکون (ورزش)؛ اعتدال در خروج مواد زائد بدن؛ اعتدال در خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها.

اعتدال در امور فوق *سبب سلامتی* بدن بوده و خروج از اعتدال در هر یک از این موارد می‌تواند *سبب بیماری* گردد که در آن صورت طبیب با بازگرداندن بدن به اعتدال، فرد را *مداوا* می کند (۱۷).

مفهوم «اسباب شش‌گانه» جالینوس که شامل تغذیه، خواب، ورزش، محیط، احساسات و دفع مواد زائد است، امروزه به عنوان عوامل تعیین‌کننده سلامت[1] شناخته می‌شود. سازمان بهداشت جهانی و مراکز کنترل بیماری‌های مختلف، بر اهمیت این عوامل در پیشگیری و درمان بیماری‌ها تأکید دارند (۲۷).

تأثیر و تـأثّر جسم و روح در سـلامتی و بیماری از یکدیگر

جالینوس بر ارتباط متقابل سلامت جسم و روح تأکید داشت. او در کتاب «در باب تابعیت قوای نفس از مزاج بدن» تأثیر مزاج بدن بر سلامت نفسانی را بیان می‌کند، در حالی که رازی با عبارت «مزاج جسم تابع اخلاق نفس است» تأثیر معکوس را مطرح می‌کند. این تفاوت نشان می‌دهد رازی به طب روحانی نزدیک است و جالینوس اخلاق مبتنی بر طب را بیان می‌کند (۳).

جالینوس معتقد بود احساسات منفی مانند خشم، ترس و اضطراب می‌توانند تعادل اخلاط را برهم بزنند و باعث بیماری‌های جسمی شوند؛ مشکلات روانی می‌توانند منجر به التهاب، اختلالات گوارشی و مشکلات قلبی شوند. در کتاب «فی الاخلاق» ارتباط امراض بدن و نفس مورد تأکید قرار گرفته است (۲۴، ۳).

بهره‌گیری از اصل ضد در درمان

جالینوس بر ضرورت شناخت دقیق ماهیت بیماری تأکید می‌کند. از آنجا که صحت و بیماری ضد یکدیگر هستند و اضداد تحت جنس واحدی قرار می‌گیرند، معرفت به آنها همسان و یکپارچه خواهد بود (۲۰).

محور اصلی نظریه درمانی جالینوس در عبارت «ضد، شفای

1.Social Determinants of Health

[Downloaded from ijme.tums.ac.ir on 2026-10-27]

[DOI: 10.18502/ijme.v19i4.22512]

ضد است همانگونه که مشابه، حافظ مشابه است»[۱] تجلی می‌یابد. برای درمان هر حالت نامتعادل، باید از کیفیت متضاد استفاده کرد؛ مثلاً تب با عوامل دارای کیفیت برودت درمان می‌شود (۲۳).

کاربرد این اصل در عمل، مستلزم تشخیص دقیق نوع عدم تعادل و انتخاب داروها و تدابیر درمانی با کیفیات متضاد است.

پزشک به مثابه مشاور سلامتی

جالینوس نقش پزشک را فراتر از درمانگر می‌داند و اصول حفظ سلامتی را در دو محور تبیین می‌کند (۲۸):

الف) توجه به نوع غذا (مبتنی بر چهار اصل): *موافقت در کیفیت*: انتخاب غذای متناسب با مزاج فرد؛ *موافقت در کمیت*: مصرف به مقداری که بر معده سنگینی نکند؛ *موافقت در وقت*: مصرف پس از هضم کامل غذای قبلی و پرهیز از مصرف همزمان غذاهای متنوع؛ *موافقت در ترتیب*: رعایت توالی مناسب در مصرف غذاها.

ب) دفع اضافات بدن (دو روش): *داروهای مناسب*: برای تسهیل دفع مواد زائد؛ *ورزش*: فعالیت بدنی، استحمام و ماساژ (ورزش باید پس از هضم‌های سه‌گانه و پیش از غذا انجام شود و موجب تعریق و افزایش تنفس گردد).

جالینوس پنج عامل اساسی را که طبیب باید در فرآیند مداوا مورد توجه قرار دهد چنین برمی‌شمارد:

الف) *نوع ماده درمانی*: انتخاب ماده مناسب با توجه به نوع بیماری؛

ب) *کیفیت ماده*: ویژگی‌های ماده درمانی (گرمی، سردی، خشکی، تری)؛

ج) *روش کاربرد*: نحوه استفاده و به‌کارگیری ماده درمانی؛

د) *زمان و توان بیمار*: توجه به مرحله بیماری و میزان قوت بیمار؛

هـ) *عوامل مساعد و نامساعد*: شناسایی عوامل سازگار یا ناسازگار با درمان(۱۶).

این اصول پنج‌گانه چارچوبی جامع برای تصمیم‌گیری بالینی فراهم می‌آورد و رویکرد سیستماتیک جالینوس در طب را نشان می‌دهد.

تقدم پیشگیری بر درمان

جالینوس بر اهمیت پیشگیری تأکید ویژه دارد و آن را از نظر پزشکی، اقتصادی و اجتماعی مطلوب‌تر دانسته که موجب ارتقای سطح سلامت عمومی جامعه می شود. وی راهکارهای عملی پیشگیری از بیماری‌ها را در سه حوزه اصلی ارائه می‌کند: تغذیه مناسب؛ فعالیت بدنی منظم؛ سبک زندگی سالم (خواب کافی، مدیریت استرس و پرهیز از عوامل آسیب‌رسان) (۲۸)

این اصول درمان‌شناسی جالینوس که بر پایه مبانی فلسفی محکم و مشاهدات بالینی دقیق استوار شده‌اند، رویکردی جامع به سلامت و بیماری ارائه داده و بسیاری از اصول آن همچنان در پزشکی معاصر جایگاه دارند.

اصول اخلاقی جالینوس

پیش از بیان اصول اخلاقی در نظام طبی جالینوس، شایسته است ابتدا به تعریف و ماهیت اخلاق، همچنین منشأ اخلاق از نظر وی بپردازیم. جالینوس در تبیین مفهوم اخلاق رویکردی طبیعت‌گرایانه اتخاذ می‌کند و آن را «حالتی برای نفس می‌داند که انسان را به انجام افعال نفس بدون تأمل و اختیار فرا

۱. ان الضد شفاء الضد کما أن الشبیه حافظ للشبیه

[Downloaded from ijme.tums.ac.ir on 2026-10-27]

[DOI: 10.18502/ijme.v19i4.22512]

می‌خواند» (۱۵). نکته متمایزکننده دیدگاه جالینوس از بسیاری از فلاسفه پیش از خود، عدم انحصار اخلاق به نفس ناطقه است. وی با استناد به مشاهدات تجربی خود از رفتارهای اخلاقی در حیوانات و کودکان، استدلال می‌کند که اخلاق می‌تواند در موجوداتی که دارای قوه عاقله کامل نیستند، نیز وجود داشته باشد (۱۵و۳). این دیدگاه، با معرفی اخلاق به‌عنوان «میل فطری غیرعقلی برای نفس» (۳)، حوزه اخلاق را فراتر از آنچه فلاسفه و اخلاقیونِ پیش از او تصور می‌کردند، گسترش می‌دهد.

وی در تحلیل منشأ اخلاق، دو عامل اصلی را شناسایی می‌کند: الف) طبع آدمی که ریشه در مزاج فرد دارد؛ ب) عادت که از تکرار رفتارها حاصل می‌شود و آن را «طبیعت اکتسابی» می‌نامد (۱۵). جالینوس پزشکی را «هنری اخلاقی» معرفی می‌کند. این رویکرد اخلاق‌محور، بنیان نظام اخلاق پزشکی جالینوسی را شکل می‌دهد که در آن پزشک نه صرفاً درمانگر بلکه راهنمای اخلاقی جامعه محسوب می‌شود. جالینوس، به‌عنوان یکی از تأثیرگذارترین پزشکان و فیلسوفان تاریخ پزشکی، بر اهمیت بنیادین اخلاق حرفه‌ای در طبابت تأکید ویژه‌ای دارد.

احترام و شفقت نسبت به بیماران

احترام به بیماران از اصول بنیادین اخلاق پزشکی جالینوس است و او می‌گوید: «شایسته است انسان همواره حال و وضع خودش را در مقایسه با دیگری در نظر بگیرد» (۱۵).

توجه همزمان به سلامت جسمی و روانی

جالینوس با نگرشی کل‌نگر بر پیوند ناگسستنی سلامت جسمی و روانی تأکید می‌کند و معتقد است پزشکان باید علاوه بر درمان جسمی، به تقویت سلامت روانی بیماران نیز اهتمام ورزند (۵).

ضرورت آموزش و یادگیری مداوم

جالینوس معتقد است «طبیب فاضل باید راه حق و استقامت را برگزیند و در صناعت منطق مهارت داشته باشد. طبیب باید حتماً فیلسوف باشد تا طبیعت بدن را بشناسد و در مطالعه هیچ‌یک از اجزای فلسفه کوتاهی نکند» (۳). او بر ضرورت یادگیری مادام‌العمر و مطالعه مستمر آثار بقراط و ارسطو تأکید دارد. از دیدگاه او، پزشک باید همواره در جستجوی ارتقای دانش و مهارت‌های خود باشد.

پزشک به‌عنوان الگوی اخلاقی

جالینوس بر اهمیت تربیت اخلاقی تأکید دارد و تصریح می‌کند: «نفس ناطقه و غضبیه قابل تربیت هستند و از طریق آموزش و ریاضت می‌توان آن‌ها را بهبود بخشید» (۱۵). از دیدگاه او، پزشک باید به‌عنوان الگوی اخلاقی در جامعه شناخته شود و رفتار او همواره در سطح بالایی از اخلاق قرار داشته باشد (۱۸).

پزشکی و مسئولیت اجتماعی

جالینوس پزشکی را فراتر از یک حرفه صرف می‌دانست و آن را هنری متعالی و مسئولیتی اجتماعی تلقی می‌کرد. او در رساله‌ای «در باب اینکه طبیب فاضل باید فیلسوف باشد» [۱]، خصوصیات پزشک ایده‌آل را با تأکید بر فضایل اخلاقی چهارگانه (حکمت، شجاعت، عفت و عدالت) تشریح می‌کند (۱۴).

۱. مقالهٔ جالینوس فی أنّه یجب أن یکون الطبیب الفاضل فیلسوفاً

[Downloaded from ijme.tums.ac.ir on 2026-10-27]

[DOI: 10.18502/ijme.v19i4.22512]

رعایت نفع و ضرر در فرایند درمان

جالینوس تأکید می‌کند که پزشکان باید تنها درمان‌هایی را تجویز کنند که بیشترین نفع را برای بیمار با حداقل عوارض جانبی داشته باشند (۲۹).

تأثیر عوامل محیطی و جغرافیایی بر اخلاق

جالینوس تأثیر عوامل محیطی بر اخلاق را بررسی می‌کند. از دیدگاه او، موقعیت جغرافیایی و شرایط اقلیمی هر منطقه، تأثیر قابل توجهی بر مزاج ساکنان آن دارد که این امر به نوبه خود در اخلاق آنان منعکس می‌شود (۸)[۱].

تأثیر تعادل اخلاط بر تصمیم‌گیری اخلاقی

جالینوس معتقد است تعادل اخلاط بر تصمیم‌گیری اخلاقی تأثیرگذار است: تعادل اخلاط منجر به آرامش ذهنی و تصمیمات اخلاقی صحیح، و عدم تعادل منجر به اضطراب و تصمیمات نادرست می‌شود. از دیدگاه او، احساسات می‌توانند بر قضاوت بالینی تأثیر منفی بگذارند و پزشکان باید با منطق و تجربه بهترین تصمیمات را اتخاذ کنند (۳۰).

اصول چهارگانه اخلاق پزشکی معاصر که توسط بیوچمپ[۲] و چایلدرس [۳] مطرح شده‌اند (۳۱) (خیرخواهی، عدم آسیب‌رسانی، احترام به استقلال و عدالت)، ریشه‌های عمیقی در آموزه‌های جالینوس دارند:

الف) *اصل خیرخواهی*: تأکید جالینوس بر اولویت منافع بیمار، پیش‌درآمدی بر این اصل است؛

ب) *اصل عدم آسیب‌رسانی*: این اصل که در قسم بقراط آمده و توسط جالینوس تأیید شده، همچنان یکی از بنیادی‌ترین اصول اخلاق پزشکی است؛

ج) *اصل احترام به استقلال*: مفهوم «احترام به بیمار» در اندیشه جالینوس، امروزه به این اصل تکامل یافته است؛

د) *اصل عدالت*: تأکید جالینوس بر ضرورت دسترسی همگانی به خدمات پزشکی، پیش‌زمینه این اصل محسوب می‌شود (۱۴).

رویکرد جالینوس که بر درک ارتباط متقابل جسم و روان، تأثیر محیط بر اخلاق، و اهمیت تعادل در ابعاد وجودی انسان استوار است، چارچوبی فراگیر برای اخلاق پزشکی ارائه می‌دهد که همچنان می‌تواند الهام‌بخش پزشکی معاصر باشد.

بحث

نقاط قوت

الف) رویکرد جامع و یکپارچه به سلامت انسان

جالینوس به‌عنوان یکی از پیشگامان رویکرد نظام‌مند به سلامت، چارچوبی جامع ارائه داد که در آن، سلامت نتیجه تعامل ابعاد جسمی، روانی و اجتماعی انسان است. این نگاه کل‌نگر[۴]، که هیچ‌یک از ابعاد وجود انسان را نادیده نمی‌گرفت، زمینه‌ای مهم برای رویکردهای بعدی در پزشکی فراهم آورد. اهمیت این دیدگاه زمانی روشن‌تر می‌شود که پزشکی مدرن در قرن بیستم بار دیگر به ضرورت چنین نگرشی توجه کرد و مفهوم «سلامت زیست-روانی-اجتماعی»[۵] را در علوم سلامت مطرح ساخت. جالینوس در رساله *حفظ الصحة* بر تأثیر متقابل

۱. ساکنان مناطق شمالی دارای اخلاق سخت، مناطق شرقی دارای اخلاق نیکوتر هستند و مردم بلاد آسیا را از نظر اخلاق بهتر از اروپا می‌داند (۸).

2. Tom L. Beauchamp
3. James F. Childress
4. Holistic approach
5. Biopsychosocial health

[Downloaded from ijme.tums.ac.ir on 2026-10-27]

[DOI: 10.18502/ijme.v19i4.22512]

میان مزاج بدنی [۱]، حالات روانی [۲] و عوامل محیطی مانند اقلیم و تغذیه تأکید کرده است (۲۸). این سه‌گانه، با مؤلفه‌های اصلی مدل زیست-روانی-اجتماعی جورج انگل [۳]، یعنی بُعد زیستی، روان‌شناختی و اجتماعی، قابل مقایسه است. انگل نیز همانند جالینوس معتقد بود که سلامت و بیماری را نمی‌توان تنها با فرآیندهای زیستی توضیح داد و باید عوامل روان‌شناختی و اجتماعی را نیز در نظر گرفت (۳۲).

ب) بنیان‌گذاری روش‌شناسی علمی در پزشکی

یکی از دستاوردهای برجسته جالینوس، تدوین چارچوبی منسجم برای روش‌شناسی علمی در پزشکی بود. او در آثار خود بر سه مرحله اساسی تأکید می‌کرد:

مشاهده دقیق[۴] علائم و نشانه‌ها؛ *آزمایش و تجربه*[۵]؛ *استدلال و استنتاج منطقی*[۶]. این سه‌گانه[۷]، از عناصر بنیادین روش علمی جدید نیز به شمار می‌رود که بعدها در قرن هفدهم توسط متفکرانی چون فرانسیس بیکن و دکارت به‌صورت نظام‌مند تدوین شد. مورخان علم، مانند اوزی تمکین، به این تداوم اشاره کرده و جالینوس را از نخستین کسانی دانسته‌اند که روش تجربی را با استدلال منطقی در پزشکی ترکیب کرد (۴). از این منظر، رویکرد تجربه‌گرایانه و عقلانی جالینوس را می‌توان از زمینه‌های تاریخی شکل‌گیری طب مبتنی بر شواهد دانست.

ج) تأکید بنیادین بر اخلاق پزشکی

جالینوس با درک عمیق از ماهیت حرفه پزشکی، نشان داد که طبابت بدون رعایت اصول اخلاقی نمی‌تواند به اهداف حقیقی خود دست یابد. او پزشک را صرفاً درمانگری فنی نمی‌دانست، بلکه او را راهنمایی اخلاقی و معنوی می‌دید که در برابر بیمار و جامعه مسئولیت دارد. این نگرش در مفهوم «پزشک-فیلسوف» متجلی می‌شود؛ مفهومی که در آن دانش پزشکی با حکمت اخلاقی پیوند می‌خورد. جالینوس در رساله «در باب اینکه طبیب فاضل باید فیلسوف باشد»، بر ضرورت برخورداری پزشک از فضایل اخلاقی چهارگانه، یعنی حکمت، شجاعت، عفت و عدالت، تأکید می‌کند و این فضایل را عامل بهبود عملکرد حرفه‌ای، تقویت اعتماد بیماران و ارتقای جایگاه اجتماعی پزشکی می‌داند.

تأکید جالینوس بر اصولی مانند اولویت منافع بیمار و پرهیز از آسیب‌رسانی، نشان‌دهنده حضور مفهومی برخی مبانی اخلاق پزشکی جدید در اندیشه اوست. این اصول امروزه در قالب اصول چهارگانه اخلاق زیستی، یعنی خیرخواهی، عدم آسیب‌رسانی، احترام به استقلال و عدالت، صورت‌بندی شده‌اند. مورخان اخلاق پزشکی مانند آلبرت جانسن[۸] نیز معتقدند که بسیاری از مفاهیم بنیادین اخلاق پزشکی مدرن ریشه در سنت بقراطی-جالینوسی دارند (۱۳).

د) تأثیر ماندگار و فراگیر بر تاریخ پزشکی

آثار جالینوس برای بیش از پانزده قرن، از قرن دوم تا قرن هفدهم میلادی، مرجع اصلی آموزش پزشکی در بخش‌های گسترده‌ای از جهان، از اروپا تا جهان اسلام، بود. این تداوم تاریخی، نشان‌دهنده عمق و نفوذ اندیشه‌های اوست. نظریات

1. Temperament
2. Affections of the soul
3. Engel, 1977
4. Empirical observation
5. Experimentation
6. Logical reasoning

۷. سه‌گانه فوق به صورت مبسوط در بخش روش شناسی جالینوس با ارجاعات کامل از آثار او آورده شده است

8. Albert R. Jonsen

[Downloaded from ijme.tums.ac.ir on 2026-10-27]

[DOI: 10.18502/ijme.v19i4.22512]

جالینوس در دوران اسلامی توسط دانشمندانی چون رازی، ابن‌سینا و ابن‌رشد بازخوانی و تفسیر شد و از این مسیر به اروپای قرون وسطی و رنسانس انتقال یافت. حتی امروزه نیز برخی مفاهیم مطرح در پزشکی و اخلاق پزشکی، از جهت تاریخی و مفهومی، با آموزه‌های جالینوسی پیوند دارند.

محدودیت‌ها

الف) محدودیت‌های ناشی از دانش علمی زمانه

جالینوس به دلیل محدودیت‌های فرهنگی زمان خود، امکان کالبدشکافی انسان را نداشت و اطلاعات آناتومیک خود را عمدتاً از کالبدشکافی حیوانات به دست می‌آورد. این مسئله موجب بروز برخی خطاهای مهم در توصیف ساختار قلب، عروق و فهم گردش خون شد. این اشتباهات بر پزشکی قرون وسطی و رنسانس تأثیر گذاشت؛ چنان‌که اندریاس وزالیوس[1] در قرن شانزدهم، در کتاب *در باب ساختار بدن انسان*، بیش از دویست خطای آناتومیک در آثار جالینوس را شناسایی و اصلاح کرد (۳۳). همچنین ویلیام هاروی[2] در سال ۱۶۲۸ با کشف گردش خون، نظریه جالینوس درباره حرکت خون را که بر پایه مفاهیمی مانند «روح حیوانی» و «روح طبیعی» استوار بود، نقض کرد (۳۴). این نمونه‌ها نشان می‌دهد که محدودیت‌های تجربی و روش‌شناختی جالینوس، با وجود نبوغ او، گاه پیشرفت علمی را برای قرن‌ها محدود ساخت.

ب) جبرگرایی در نظریه اخلاق

تأکید جالینوس بر تأثیر مزاج طبیعی و عوامل جسمانی بر رفتار اخلاقی، گاه به نوعی جبرگرایی[3] زیستی نزدیک می‌شود. در چنین رویکردی، نقش اراده آزاد[4] و انتخاب فردی[5] و مسئولیت اخلاقی ممکن است کم‌رنگ شود و امکان تغییر و تحول اخلاقی محدود به نظر برسد. نقدهای تاریخی نیز بر این جنبه تأکید کرده‌اند. برای نمونه، فیلسوفان قرون وسطایی مسیحی مانند توماس آکویناس، با وجود احترام به جالینوس، بر اولویت اراده آزاد و مسئولیت اخلاقی انسان در برابر جبرگرایی زیستی تأکید کردند (۳۵). در دوران مدرن نیز کانت با طرح مفهوم «اراده خودمختار»[6] و تأکید بر استقلال اخلاق از عوامل تجربی و زیستی، به‌طور ضمنی چنین رویکردی را نقد کرد (۳۶).

جالینوس در کتاب در باب تابعیت قوای نفس از مزاج بدن، میان مزاج بدنی و خصوصیات اخلاقی رابطه‌ای مستقیم برقرار می‌کند و معتقد است هر آنچه در مزاج اثر بگذارد، در اخلاق نیز مؤثر است[7] (۸). این دیدگاه، هرچند در شناخت عوامل زیستی مؤثر بر رفتار اخلاقی اهمیت دارد، با مفاهیم جدید مسئولیت اخلاقی و خودمختاری انسان در تعارض قرار می‌گیرد. البته باید توجه داشت که جالینوس در کنار این گرایش زیستی، بر نقش تربیت و آموزش نیز تأکید داشت و معتقد بود نفس ناطقه و غضبیه از طریق آموزش و ریاضت قابل اصلاح‌اند (۱۵).

ج) محدودیت‌های اجتماعی–فرهنگی و تعارض با ارزش‌های معاصر

برخی باورهای جالینوس متأثر از چارچوب فرهنگی و اجتماعی زمانه او بود و با ارزش‌های اخلاقی معاصر سازگار نیست. برای مثال، نگرش او به زنان و بردگان، که متأثر از

1. Andreas Vesalius
2. William Harvey
3. Determinism
4. Free will
5. Individual choice
6. Autonomous will
۷. کل ما یفعل فی المزاج فعلاً فهو یفعل فی الاخلاق

[Downloaded from ijme.tums.ac.ir on 2026-10-27]
[DOI: 10.18502/ijme.v19i4.22512]

ساختار طبقاتی و جنسیتی جامعه رومی بود، با اصول عدالت، برابری و کرامت انسانی در اخلاق زیستی مدرن تعارض دارد. جالینوس در برخی آثار خود، زنان را از نظر زیستی و اخلاقی ناقص‌تر از مردان توصیف می‌کند (۳۷). این دیدگاه امروزه نه‌تنها از نظر علمی پذیرفتنی نیست، بلکه از نظر اخلاقی نیز غیرقابل دفاع است.

نتیجه‌گیری

بررسی مبانی طبی-اخلاقی جالینوس نشان می‌دهد که اندیشه او، با وجود تکیه بر نظریه‌های منسوخ اخلاط و برخی پیش‌فرض‌های جبرگرایانه درباره نقش مزاج، همچنان برای فهم نسبت میان طب، فلسفه و اخلاق الهام‌بخش است. جالینوس با پیوند دادن مشاهده تجربی، استدلال عقلی و تربیت اخلاقی پزشک، الگویی از «پزشک-فیلسوف» ارائه می‌کند که در آن، طبابت صرفاً مجموعه‌ای از مهارت‌های فنی نیست، بلکه رسالتی اخلاقی و اجتماعی به‌شمار می‌آید. این چارچوب، هرچند از نظر علمی با زیست‌پزشکی معاصر ناسازگار است، در سطح مفهومی می‌تواند به بازاندیشی جایگاه فضیلت، مسئولیت و نگاه کل‌نگر به بیمار کمک کند.

از حیث آموزش پزشکی، آموزه‌های جالینوسی می‌تواند توجیهی تاریخی و فلسفی برای گنجاندن واحدهای میان‌رشته‌ای در برنامه‌های درسی فراهم آورد؛ واحدهایی که در آن، تاریخ طب، فلسفه پزشکی و اخلاق فضیلت‌محور در کنار هم تدریس شوند. چنین رویکردی می‌تواند به تربیت پزشکانی یاری رساند که افزون بر مهارت‌های بالینی، نسبت به ابعاد روانی و اجتماعی رنج بیمار و مسئولیت اخلاقی خود حساس‌تر باشند. بر این اساس، طراحی کارگاه‌ها و سمینارهایی با محوریت خوانش انتقادی متون جالینوسی و مقایسه آن‌ها با راهنماهای اخلاق حرفه‌ای معاصر در دانشکده‌های پزشکی پیشنهاد می‌شود.

در سطح سیاست‌گذاری سلامت و اخلاق بالینی، تأکید جالینوس بر پیشگیری، تدبیر مزاج و نقش سبک زندگی در سلامت، می‌تواند پشتوانه‌ای تاریخی برای تقویت مراقبت اولیه، ارتقای سلامت و مدل زیست‌روانی-اجتماعی باشد. با این حال، بخش‌هایی از اندیشه او، مانند جبرگرایی زیستی در تبیین رفتار اخلاقی و برخی داوری‌های سلسله‌مراتبی درباره گروه‌های انسانی، با اصول عدالت، خودمختاری و برابری در اخلاق زیستی معاصر ناسازگار است. بنابراین، بهره‌گیری از میراث جالینوسی باید انتقادی و گزینشی باشد: استفاده از نگاه کل‌نگر و توجه به ابعاد روانی و اجتماعی بیمار، همراه با طرد عناصر ناسازگار با حقوق و کرامت انسان امروز.

در نهایت، این مقاله مسیر پژوهشی مشخصی نیز پیشنهاد می‌کند: مطالعه تطبیقی میان جالینوس و ابن‌سینا درباره نقش مزاج در اخلاق، فضایل پزشک و نسبت اراده آزاد و بدن. چنین پژوهشی می‌تواند نشان دهد سنت اسلامی-فلسفی چگونه برخی جبرگرایی‌های زیستی جالینوسی را تعدیل کرده و چه ظرفیت‌هایی برای گفت‌وگو با اخلاق زیستی معاصر دارد. البته باید میان شباهت‌های مفهومی و ادعای تداوم مستقیم تاریخی تفکیک کرد؛ این مقاله تنها مدعی الهام مفهومی از اندیشه جالینوس است، نه اثبات پیوستگی خطی میان علم و اخلاق جالینوسی و زیست‌پزشکی و اخلاق پزشکی نوین.

[Downloaded from ijme.tums.ac.ir on 2026-10-27]

[DOI: 10.18502/ijme.v19i4.22512]

منابع

1. Hankinson RJ, editor. The Cambridge Companion to Galen. Cambridge: Cambridge University Press; 2008. p. 15.
2. Al-Jabiri MA. [*Al-'Aql al-Akhlaqi al-'Arabi: Dirasah Tahliliyah Naqdiyah li-Nuzum al-Qiyam fi al-Thaqafah al-'Arabiyah*]. Beirut: Markaz Dirasat al-Wahdah al-'Arabiyah; 2006. p. 293, 325. [*in Arabic*]
3. Atiyyah AA. [*Jalinus fi al-Fikr al-Qadim wa al-Mu'asir*]. Cairo: Dar Qibaa li-Tiba'ah wa al-Nashr wa al-Tawzi'; 1999. p. 100,29,88,84-85,84,70,85-86,101,71-72,95,96,97,196,196,37,91,93,94,98,71-72. [*in Arabic*]
4. Temkin O. Galenism: Rise and Decline of a Medical Philosophy. Ithaca (NY): Cornell University Press; 1973. p. 51, 4.
5. Singer PN, editor. Galen: Psychological Writings. Cambridge: Cambridge University Press; 2013. p. 45, 335–340.
6. Barnes J. Galen on logic and therapy. In: Kudlien F, Durling RJ, editors. Galen's Method of Healing. Leiden: Brill; 1991. p. 78.
7. Nutton V. Ancient Medicine. 2nd ed. London: Routledge; 2013.
8. Badawi A. [*Dirasat wa Nusūs fi al-Falsafah wa al-'Ulum 'Ind al-'Arab: Min Maqalah li-Jalinus fi Anna Quwa al-Nafs Tawaabi' li-Mizaj al-Badan*]. 1st ed. Beirut: al-Mu'assasa al-'Arabiyya lil-Dirasat wa al-Nashr; 1981. p. 185-186,184-185,185,184,187,28,185. [*in Arabic*]
9. Gill C, Whitmarsh T, Wilkins J, editors. Galen and the World of Knowledge. Cambridge: Cambridge University Press; 2009.
10. Mattern SP. Galen and the Rhetoric of Healing. Baltimore (MD): Johns Hopkins University Press; 2008.
11. Ameri F. [*Ta'sir Amozeha-ye Falsafi bar Danesh Fizyoloji-ye Jalinus*]. Falsafe-ye Elm. 2022 Sep;1(23):95–128. [*in Persian*]
12. Baker R, McCullough LB, Nie J-B, editors. The Cambridge World History of Medical Ethics. Cambridge: Cambridge University Press; 2009.
13. Jonsen AR. A Short History of Medical Ethics. New York: Oxford University Press; 2000.
14. Galen. [*Maqalat Jalinus fi Annahu Yajibu an Yakuna al-Tabib al-Fadil Filsufan*]. In: Hunayn ibn Ishaq, translator. Göttingen: Akhbar Akademi-ye 'Ulum dar Gotingen; 1965. p. 24-26.22,24,24,22-24. [*in Arabic*]
15. Badawi A. [*Dirasat wa Nusūs fi al-Falsafah wa al-'Ulum 'Ind al-'Arab: Mukhtasar min Kitab al-Akhlaq li-Jalinus*]. 1st ed. Beirut: al-Mu'assasa al-'Arabiyya lil-Dirasat wa al-Nashr; 1981. p. 28,191,204,196,191,202-204,191,190,190,208,211,203,203. [*in Arabic*]
16. Galen. [*Majmu'eh Hasht Kitab Tebi az Jalinus: Kitab Jalinus ila Ghuluqen*]. 1st ed. Tehran: Mo'assese-ye Motale'at Tarikh Pezeshki, Tebb Eslami va Mokamel, Daneshgah 'Olum Pezeshki Iran; 2008. p. 80-81,79,82,80,82. [*in Arabic*]
17. Galen. [*Majmu'eh Hasht Kitab Tebi az Jalinus: fi al-Sina'ah al-Saghirah*]. 1st ed. Tehran: Mo'assese-ye Motale'at Tarikh Pezeshki, Tebb Eslami va Mokamel, Daneshgah 'Olum Pezeshki Iran; 2008. p. 5-6,25-26,9,17,35,14. [*in Arabic*]
18. Galen. On the Natural Faculties. Brock AJ, translator. Cambridge: Cambridge University Press; repr. London; 1952. p. 50–75, 47.
19. Sackett DL, Rosenberg WMC, Gray JAM, Haynes RB, Richardson WS. Evidence based medicine: what it is and what it isn't. BMJ. 1996 Jan 13;312(7023):71–72.

[Downloaded from ijme.tums.ac.ir on 2026-10-27]

[DOI: 10.18502/ijme.v19i4.22512]

doi:10.1136/bmj.312.7023.71.
20. Galen. [*Jawaami‘ al-Iskandaraniyyin, fi Hiylat al-Boroo’e*]. Manuscript No. 6132, Shelf No. 6037. Tehran: Ketabkhaneh Majles Shoraye Melli; chap-e sangi. p. 123, 123-124,123,124,123,123,123,123,124,124. [*in Arabic*]
21. Galen. [*Shesh Resaleh Tebi az Buqrat, Jalinus, Hunayn va Razi: Jawaami‘ Kitab Jalinus fi Feraq al-Tibb ‘ala al-Sharh wa al-Talkhis lil-Iskandaraniyyin*]. Hunayn ibn Ishaq, translator. 1st ed. Tehran: Mo’assese-ye Motale‘at Tarikh Pezeshki, Tebb Eslami va Mokamel, Daneshgah ‘Olum Pezeshki Iran; [no date]. p. 279, 263-264,275. [*in Arabic*]
22. Galen. [*Jawaami‘ Kitab Jalinus fi al-‘Anasor bi-Hasb Ra’y Buqrat*]. Hunayn ibn Ishaq, translator. 1st ed. Tehran: Mo’assese-ye Motale‘at Tarikh Pezeshki, Tebb Eslami va Mokamel, Daneshgah ‘Olum Pezeshki Iran; 2007. p. 218-219,195-196. [*in Arabic]*
23. Ibn Rushd Qurtubi MBA. [*Majmu‘at Rasa’il Noh-ganeh Ibn Rushd: Risalah fi Hiylat al-Bor’e, Talkhis Ibn Rushd*]. 1st ed. Tehran: Mo’assese-ye Motale‘at Tarikh Pezeshki, Tebb Eslami va Mokamel, Daneshgah ‘Olum Pezeshki Iran; 2008. p. 416-418,421,416-418. [*in Arabic*]
24. Galen. [*Shesh Resaleh Tebi az Buqrat, Jalinus, Hunayn va Razi: Kitab Buqrat fi Tabi‘at al-Insan*]. Hunayn ibn Ishaq, translator. 1st ed. Tehran: Mo’assese-ye Motale‘at Tarikh Pezeshki, Tebb Eslami va Mokamel, Daneshgah ‘Olum Pezeshki Iran; [*no date*]. p. 326, 326, 326 [*in Arabic*]
25. Galen. [*Majmu‘eh Hasht Kitab Tebi az Jalinus: Kitab al-Ostoqossat*]. 1st ed. Tehran: Mo’assese-ye Motale‘at Tarikh Pezeshki, Tebb Eslami va Mokamel, Daneshgah ‘Olum Pezeshki Iran; 2008. p. 221–224. [*in Arabic*]
26. Galen. [*Majmu‘eh Hasht Kitab Tebi az Jalinus: Jawaami‘ al-Iskandaraniyyin lil-Maqalah al-Ula min Kitab al-Mizaj li-Jalinus*]. 1st ed. Tehran: Mo’assese-ye Motale‘at Tarikh Pezeshki, Tebb Eslami va Mokamel, Daneshgah ‘Olum Pezeshki Iran; 2008. p. 234. [*in Arabic*]
27. World Health Organization. Global Recommendations on Physical Activity for Health. Geneva: World Health Organization; 2010.
28. Ibn Rushd Qurtubi MBA. [*Majmu‘at Rasa’il Noh-ganeh Ibn Rushd: Risalat Hifz al-Sihhah Jalinus, Talkhis Ibn Rushd*]. 1st ed. Tehran: Mo’assese-ye Motale‘at Tarikh Pezeshki, Tebb Eslami va Mokamel, Daneshgah ‘Olum Pezeshki Iran; 2008. p. 411-415,412-415, 411-415. [*in Arabic*]
29. Galen. Method of Medicine. Johnston I, Horsley GHR, translators. Vol. 1. Cambridge (MA): Harvard University Press; 2011. p. 63.
30. Galen. On the Passions and Errors of the Soul. Harkins PW, translator; Riese W, editor. Columbus (OH): Ohio State University Press; 1963. p. 33.
31. Beauchamp TL, Childress JF. Principles of Biomedical Ethics. 8th ed. New York: Oxford University Press; 2020.
32. Engel GL. The need for a new medical model: a challenge for biomedicine. Science. 1977 Apr 8;196(4286):129–136. doi:10.1126/science.847460. PMID:847460.
33. Vesalius A. De humani corporis fabrica libri septem. Basel: Johannes Oporinus; 1543.
34. Wear A. William Harvey and the “way of the anatomists”. History of Science. 1983;21(3):223–249. doi:10.1177/007327538302100302.
35. Kenny A. Aquinas on Mind. London: Routledge; 1993.

[Downloaded from ijme.tums.ac.ir on 2026-10-27]

[DOI: 10.18502/ijme.v19i4.22512]

36. Kant I. Groundwork of the Metaphysics of Morals. Cambridge: Cambridge University Press; 1998.
37. Dean-Jones L. Women's Bodies in Classical Greek Science. Oxford: Oxford University Press; 1994. Online ed. Oxford Academic; 2023 Oct 31. Available from: https://doi.org/10.1093/oso/9780198147671.001.0001. Accessed 2025 Nov 15.

[Downloaded from ijme.tums.ac.ir on 2026-10-27]

[DOI: 10.18502/ijme.v19i4.22512]

Iranian Journal of Medical Ethics and History of Medicine, 2026, Volume 19, Article 4

Review Article

The Medico-Ethical Foundations of Galen's Thought

Morteza Hoseinzadeh[1], Sahar Kavandi*[2]

1. Assistant Professor, Department of Philosophy, Faculty of Humanities, University of Zanjan, Zanjan, Iran.
2. Professor, Department of Philosophy, Faculty of Humanities, University of Zanjan, Zanjan, Iran.

Received: *05 August 2025*
Accepted: *08 July 2026*
Published: *06 September 2026*

Corresponding Author
Sahar Kavandi
Address: *University of Zanjan, Faculty of Humanities, Department of Philosophy, Zanjan, Iran.*
Postal Code : *4513943355*
Tel*: 98 24 33 05 41 10*
Email: *drskavandi@znu.ac.ir*

Citation to this article:
Hoseinzadeh M, Kavandi S. *The Medico-Ethical Foundations of Galen's Thought. Iranian Journal of Medical Ethics and History of Medicine. 2026; 19:Article number: 4.*

DOI: 10.18502/ijme.v19i4.22512

Abstract

Galen is regarded as one of the most enduring and influential figures in the history of medicine. What distinguishes his intellectual legacy is his ability to integrate three fundamental domains, namely medicine, philosophy, and ethics, into a coherent intellectual system. This study aimed to identify and comprehensively examine the medico-ethical foundations of Galen's thought by analyzing the impact of philosophical doctrines on the formation of his approach to medicine and ethics. The study was based on a critical analysis of Galen's primary texts alongside relevant historical and philosophical secondary sources. Employing a descriptive-analytical and conceptual approach, it sought to reconstruct the medical and ethical foundations of his thought systematically and to elucidate the relationship between them. Galen conceived of health as a multilayered concept encompassing not only physical well-being but also psychological and social dimensions. He further maintained that medicine can attain genuine meaning and effectiveness only when integrated with moral virtues; on this basis, he advanced the notion of the "physician-philosopher." Galen's theoretical foundations, including the theory of the four humors, the five determinants of health, the principle of treatment through opposites, and a strong emphasis on prevention, constitute essential elements of his coherent theoretical framework. In the field of medical ethics, principles that are reflected today, to some extent, in the four principles of contemporary bioethics are repeatedly articulated throughout his works. Although some of Galen's theories no longer possess scientific validity, a renewed examination of his medico-ethical foundations may provide a conceptual model for rethinking the interrelation of science, ethics, and philosophy in contemporary medicine.

Keywords: Galen, Medical ethics, Medical principles, Philosophy of medicine, Holistic medicine.

[Downloaded from ijme.tums.ac.ir on 2026-10-27]

[DOI: 10.18502/ijme.v19i4.22512]

Copyright © 2026 Tehran University of Medical Sciences. Published by Tehran University of Medical Sciences.
This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International license https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/). Non-commercial uses of the work are permitted, provided the original work is properly cited.